

لیسانسی سه سال بشود یا نه؟

پیرا ناصری خبرنگار

مدت مجاز و رسمی دوره آموزش در مقاطع دانشگاهی بر اساس تعداد واحد درسی در نظر گرفته شده در جارت تحصیلی هر مقطع ورشته وهمچنین قوانین و ضوابط وضع شده در دانشگاه محل تحصیل تعیین می شود. طبق آیین نامه های مصوب وزارت علوم، برای دوره کارشناسی پیوسته در کشور، حداکثر هشت نیم سال (چهار سال) تعریف شده؛ باین حال در هفته های اخیر وزیر علوم از بررسی طرح کاهش دوره کارشناسی از چهار به سه سال خبر داده و هدف آن را تسهیل ورود دانشجویان به بازار کار عنوان کرده است. موضوعی که به باور کارشناسان حوزه آموزش عالی اگرچه می تواند زمینه ساز تحول در ساختار آموزش کارشناسی باشد، اما اجرای آن مستلزم

غلامرضا ذاکر صالحی، استاد مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی: امروزه بهر دیگری از فناوری های نوین آموزش نظیر هوش مصنوعی، واقعیت افزوده، آزمایشگاه های مجازی، برنامه های درسی دیجیتال، واقعیت مجازی و حتی متاورس، این امکان را فراهم ساخته است که هم سرعت آموزش افزایش یابد و هم کیفیت آن ارتقا پیدا کند. این ابزارها، نه تنها فرایند یادگیری را تسهیل می کنند، بلکه زمینه ای برای آموزش های تعاملی، شخصی سازی شده و مبتنی بر تجربه فراهم می آورد. در همین راستا، وزیر علوم نیز اشاره کردند که در جریان بازآرایی دروس دوره کارشناسی، می توان آموزش های مهارتی را نیز تقویت کرد. اگر این بازآرایی با دورویکرد فناوری محور و مهارت محور همراه شود، می توان مسیر تحول را با دقت و اثر بخشی بیشتری پیمود. باین حال، ضروری است که پیشنهادها از سطح آسیب شناسی فراتر رفته و به صورت کاربردی، شواهد محور و قابل اجرا ارائه شوند.

یکی از چالش های جدی، افزایش سنوات تحصیلی در دوره کارشناسی است. اگرچه این دوره به صورت رسمی چهار ساله تعریف شده، اما در



چهار مسال به سه سال نه تنها ساختار دروس و شیوه تدریس استایند را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه خروجی علمی و تخصصی دانشجویان را نیز دستخوش تغییر می کند. یکی از انگیزه های اصلی این طرح، تسهیل ورود سریع تر دانشجویان به بازار کار است؛ هدفی که در کشورهایی مانند آلمان و فرانسه دنبال شده است. مثلاً در آلمان شرکت ها پیش از فارغ التحصیلی دانشجویان آن ها را رزرو می کنند؛ اما در ایران، شرایط متفاوت است و حتی فارغ التحصیلان دکتری ممکن است تا سه سال در فرایند جذب باقی بمانند و در نهایت با حقوقی محدود وارد بازار کار شوند. این وضعیت نشان می دهد که بسیاری از فارغ التحصیلان عملاً بایبکاری مواجهند و مسئولیت هایی بر دوش آنان نهاده می شود که نه در توانشان بوده و نه پاسخ گوی تلاش های چندساله آنان است. از سوی دیگر، این سیاست در شرایطی مطرح می شود که سرمایه گذاری در حوزه اقتصاد و تولید بسیار پایین است. در چنین فضایی، فارغ التحصیلان چگونه می توانند شغلی بیابند؟ اشتغال نیازمند زیرساخت های اقتصادی و سرمایه گذاری مؤثر است؛ بنابراین، مقایسه ایران با کشورهای توسعه یافته بدون در نظر گرفتن تفاوت های ساختاری، اقدامی نادرست است.

همچنین در فرایند کاهش سنوات، به جای حذف برخی دروس غیراصلی، دروس ضروری و پایه حذف می شوند که نقش کلیدی در آموزش دارند. این امر موجب تربیت دانش آموختگانی با کیفیت علمی پایین می شود که آشنایی ناقصی با رشته های خود دارند. در نهایت، باید توجه داشت که کاهش مسنونات تحصیلی بدون بررسی دقیق می تواند به تضعیف کیفیت آموزش، افزایش نابرابری اجتماعی و بازتولید بی عدالتی در نظام آموزشی منجر شود. نکته مهم دیگر آن است که در بحث کاهش سنوات باید تفاوت های فردی، اجتماعی و منطقه ای دانشجویان را مد نظر قرار

کارشناسان می گویند طرح مهم وزارت علوم هنوز خیلی کار دارد

بازنگری در آیین نامه ها، بهره گیری از فناوری های نوین، ارتقای آموزش های مهارتی و انطباق با استانداردهای بین المللی است. در همین راستا هفته گذشته نشست تحت عنوان بازاندیشی سنوات دوره کارشناسی با هدف بررسی ابعاد و تأثیرات آن بر کیفیت آموزش، اشتغال پذیری دانشجویان و الزامات اجرایی آن توسط مؤسسه پژوهش و آموزش عالی و با حضور علی خورسندی طاسکوه رئیس انجمن آموزش عالی ایران، رضا مهدی معاون پژوهشی و آموزشی مؤسسه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، مریم حسینی لرگانی مدیر گروه نوآوری های آموزشی و درسی مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و غلامرضا ذاکر صالحی استاد مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. «فرهیختگان» در ادامه گزارشی از مباحث طرح شده در این نشست را منتشر می کند.

هشت راهبرد پیشنهادی برای کاهش مقطع کارشناسی

موردی تا هفت سال و حتی بیشتر نیز ادامه می یابد. برای مثال امروز در کشور حتی دانشجویی وجود دارد که پس از ۱۴ سال فارغ التحصیل شده و مدرک دریافت کرده است. روندی که به قول یکی از دوستان فضای دانشگاه را مانند کلوپ اجتماعی کرده؛ فضایی که برای دیدو بازاید بوده، نه آموزش و پژوهش. با این حال در این شرایط لازم است استراتژی های مشخصی برای اصلاح ساختار دوره کارشناسی مانند حذف دروس زائد یعنی بازنگری در محتوای دروس عمومی و تخصصی و حذف موارد غیر ضروری، ادغام واحدهای مشابه مانند ترکیب دروس هم پوشان برای کاهش حجم آموزش، کارآمدسازی و اثر بخشی آموزش مانند تمرکز بر یادگیری مؤثر به جای صرفاً ارائه آموزش، میان رشته ای سازی دوره ها، استفاده از زمان های تلف شده مانند فعال سازی ترم تابستانی و جلوگیری از تعطیلی دانشگاه در ایام غیر رسمی، چابک سازی برنامه های درسی در راستای ایجاد یادگیری حقیقی، برنامه ریزی معطوف به بازار کار و اشتغال آفرین و بازآرایی و تعداد بخشی به ساختار دروس یعنی ایجاد موازنه منطقی میان دروس پیش نیاز، هم نیاز، پایه، تخصصی و عمومی است. بنابراین از صاحب نظران و متخصصان انتظار می رود که در خصوص این هشت راهبرد، موضع گیری علمی و کارشناسی داشته باشند و پیشنهادهای خود را به صورت مستند و اجرایی ارائه دهند.

بامدل آلمان و فرانسه نمی توان برای دانشگاه ایرانی تصمیم گرفت

داد. نمی توان یک فرمول واحد را برای تمامی رشته ها و دانشجویان اعمال کرد. از طرفی دانشجویان در سال نخست درگیر شناخت محیط دانشگاه، اساتید، دروس و خوابگاه هستند و در سال آخر نیز دغدغه هایی چون ورود به بازار کار، خروج از دانشگاه و خدمت سربازی دارند. اگر این زمان را کاهش دهیم، عملاً تنها یک سال فرصت برای یادگیری مؤثر باقی می ماند که به هیچ وجه کافی نیست و به کیفیت آموزش لطمه جدی وارد می کند. نکته ای که مشابهت توجه معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم است، آن است که در حال حاضر، جذب دانشجویان برای فعالیت های فرهنگی و فوق برنامه با دشواری مواجه شده است. حداکثر پنج تا ده درصد از دانشجویان در برنامه هایی مشارکت می کنند که هدف آن ها تربیت اجتماعی، آشنایی با مناسک، انجمن ها، صنوف و استانداردهای جامعه است. حال اگر سنوات تحصیلی کاهش یابد، همین فرصت محدود نیز از دست خواهد رفت و دانشجو صرفاً به دروس غیر تخصصی محدود خواهد شد؛ امری که در نهایت، جامعه ای با خروجی های علمی ضعیف و فاقد تربیت فرهنگی تحویل خواهد داد، آن هم در کشوری که فرهنگ سنتی و اصیل، بخش مهمی از هویت اجتماعی آن را تشکیل می دهد. موضوع فشار روانی و اضطراب دانشجویان نیز از دیگر پیامدهای این تصمیم است. دانشگاه، جایگاهی فراتر از صرفاً آموزش است و تجربه نشان داده که حتی دانشجویان ممتاز در دانشگاه هایی چون شریف، در ترم های نخست با چالش های جدی مواجه شده و مشروط می شوند. آمار مراکز مشاوره نیز گواه آن است که میزان مراجعه در سال های اول و آخر تحصیل، به طور چشمگیری بالاست. کاهش سنوات این فشار را تشدید خواهد کرد. با توجه به این تجربیات و با در نظر گرفتن پروژه تحول علوم انسانی که سال ها برای آن تلاش شده و هنوز به سرانجام نرسیده است، پیشنهاد مطرح شده است که فعلاً هیچ اقدامی صورت نگیرد تا نتایج اقدامات پشتمین روشن شود و جامعه به ثبات و اعتماد لازم دست یابد. اگر در آینده وزارت علوم تصمیم به اجرای این طرح گرفت بسا تمام توان در جهت اجرای صحیح و منطقی آن همکاری خواهم کرد. اما در شرایط فعلی با این نظر به مخالفم و هیچ پیشنهادی برای اجرای آن ارائه نمی دهم.



بین المللی آن است. اگر قرار باشد دوره کارشناسی در ایران از چهار سال به سه سال کاهش یابد، باید دید این تغییر چه تأثیری بر تعاملات علمی و اعتبار مدارک در سطح جهانی خواهد داشت. در چهارچوب های بین المللی، ابتدا شایستگی های فارغ التحصیل مشخص می شود؛ این شایستگی ها حاصل مشارکت نمایندگان صنعت، دانشجویان و اساتید در تدوین برنامه های آموزشی است. سپس طول دوره تحصیل، تعداد واحدها و عناصر کلیدی دیگر تعیین می گردد. این چهارچوب ها مبنای تعاملات علمی بین کشورها هستند. و برای پذیرش دانشجو یا تبادل علمی، در هماهنگی میان نظام های آموزش عالی ضروری است.

در سطح منطقه ای نیز چهارچوب هایی مانند EQF در اروپا، ASEAN در آسیا و ACQF آفریقای وجود دارد که دوره لیسانس را معمولاً سه تا چهار ساله تعریف می کنند. البته نحوه محاسبه واحدهای درسی در این کشورها با ایران تفاوت دارد، اما در مجموع، استانداردهای منطقه ای بر دوره های سه ساله تأکید دارند و اگر این قصد عضویت یا تبادل علمی با این کشورها را دارد، باید این استانداردها را رعایت کند. با این حال، آیین نامه هایی در ایران وجود دارد که اجازه می دهد دوره کارشناسی تا شش ترم کاهش یابد؛ امری که نشان دهنده ظرفیت انعطاف پذیری در ساختار داخلی است. از طرفی باید تأکید کرد هرگونه تصمیم گیری درباره کاهش سنوات تحصیلی باید با در نظر گرفتن چهارچوب های قانونی و استانداردهای بین المللی انجام شود. حفظ اعتبار مدارک دانشگاهی ایران در سطح جهانی، مستلزم هماهنگی با نظام های آموزشی دیگر کشورها و رعایت اصول بنیادین در طراحی برنامه های درسی است. در ایران، دوره کارشناسی معمولاً شامل حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ واحد درسی است، در حالی که در ایالات متحده، این عدد حدود ۱۲۰ واحد است. با توجه به الگوبرداری ایران از نظام آمریکایی، افزایش واحدها در طول زمان باید مورد بازنگری قرار گیرد تا مشخص شود چه میزان از آن ها واقعاً ضروری هستند.

نکته مهمی که در ذات علوم باید بر آن تأکید کند، تنوع ساختارهای تحصیلی در سطح بین المللی است. البته های پژوهشی نشان می دهد هر چند دوره های تحصیلی متنوع تر و با کیفیت تر باشند، ارتباط میان آموزش عالی و بازار کار تقویت می شود. در ایران، تنها دو نوع دوره تحصیلی در مقطع کارشناسی تعریف شده، در حالی که در کشورهایی مانند کانادا و ایالات متحده، تنوع بیشتری وجود دارد. این تنوع، امکان ارائه دوره های مهارتی با عناوین و ساختارهای متفاوت را فراهم می سازد.

اما پیش شرط های لازم برای کاهش دوره لیسانس چیست؟ اولین اقدام این بوده که باید استانداردهای جهانی زیررسی کنیم. همان طور که مستحضری و



علی خورسندی طاسکوه، رئیس انجمن آموزش عالی ایران:

نکته ای که لازم است مورد توجه قرار گیرد، آن است که ایده کاهش سنوات تحصیلی اساساً به صورت اتفاقی و نه دستوری مطرح شده است. تنها در چنین بستری می توان تصمیمی منطقی و مؤثر اتخاذ کرد که هم منافع نظام آموزش عالی را تأمین کند و هم پاسخگوی نیازهای دانشجویان و جامعه باشد. یکی از نکات بسیار مهم و کلیدی که از منظر طرفداران ایده کاهش سنوات تحصیلی مطرح می شود، ضرورت بهره برداری بهینه از زمان سال تحصیلی است. در حال حاضر، دانشجویان عملاً حدود چهار ماه از سال را خارج از فضای دانشگاهی سپری می کنند؛ دوره ای که به نوعی انقطاع کامل از محیط آموزش عالی محسوب می شود. این انقطاع، برخلاف الگوی آکسیرپ (شیوه آموزش خاص دانشگاه های توسعه یافته و کمپریج در بریتانیا) که بر شکل گیری تعالی فرهنگی و علمی دانشجو در بستر دانشگاه تأکید دارد، فاقد اثرگذاری آموزشی و تربیتی است. در پایان لازم می داتم تأکید کنم که مشخصاً، با وجود گرایش به برخی دیدگاه ها، همواره برای نظرات مخالف احترام و یوازی قابل ستم، مخالفت ها، زمینه ساز یادگیری و تعمیق نگاه کارشناسی هستند و در فرایند تصمیم سازی، نقش مهمی ایفا می کنند. در نهایت، مؤسسه پیشنهاد خواهد داد که مجموعه ای از سناریوهای کلی، همراه با رهنمودهای اجرایی، تدوین شود. انتخاب هر یک از این سناریوها، مستلزم بررسی های دقیق و اصلاحات لازم در سطوح بالادستی خواهد بود. به برنامه اجرایی نیز بر اساس سناریوی منتخب طراحی خواهد شد. اکنون در مرحله ای قرار داریم که سناریوهای مختلف جهانی را بررسی و تجربه می کنیم تا با بهره گیری از تجارب ارزشمند همکاران و متخصصان، به راه حلی متناسب با شرایط آموزش عالی کشور دست یابیم.

سومین مسئله، اشتغال پذیری دانشجویان است که به درستی به عنوان یک چشمة دولیبه مطرح شده است. در کشورهای توسعه یافته، سنوات با سنات با هدف تسریع ورود به بازار کار صورت می گیرد، اما در ایران زیرساخت های اشتغال هنوز به سطح مطلوب نرسیده و ظرفیت های جذب فارغ التحصیلان محدود است. بنابراین، هر دو دیدگاه در این زمینه قابل تأمل و صحیح است. چهارمین مسئله، هزینه های تحصیل در دانشگاه های کشور است که در مقایسه با دانشگاه های منطقه، به ویژه

در رشته هایی مانند پزشکی، مهندسی و معماری و یادگیری مهارت های حرکتی و روانی از طریق پلتفرم های مجازی اشاره کرد. باین حال، مسائلی جدی در مسیر این تحول وجود دارد؛ مقاومت نهادی در برابر تغییرات ساختاری، ضرورت تغییر قوانین وزارت علوم، به ویژه آیین نامه های مرتبط با برنامه ریزی درسی، لزوم توانمندسازی اعضای هیئت علمی برای استفاده مؤثر از هوش مصنوعی، تغییر برنامه های درسی از حالت ثابت به ساختار انعطاف پذیر، ایجاد بی عدالتی آموزشی ناشی از اعمال برنامه درسی یکسان برای همه دانشگاه ها با سطوح و امکانات متفاوت. همچنین باید اطمینان حاصل کرد که آیا همه دانشجویان، به ویژه در شهرستان ها، به زیرساخت های فناوری دسترسی دارند

یا نه. زیرا کاهش سنوات اگر به صورت فراگیر اعمال شود، می تواند فشار روانی زیادی بر دانشجویان وارد کرده و کیفیت یادگیری و سلامت روان آنان را تحت تأثیر قرار دهد. از جمله پیامدهای دیگر کاهش سنوات، محرومیت دانشجویان از فرصت های فرهنگی و فوق برنامه است. جامعه پذیری دانشجویان به عنوان یک متغیر مداخله گر، با کاهش زمان حضور در دانشگاه دچار اختلال می شود. اما به نظر من می توان بر مقابله با این چالش از راهکار هایی مانند بهره گیری از نظام معادل سازی پیشرفته دروس مانند معادل سازی سابقه فعالیت های هنری یا زبان فارسی دانشجویان با نهادهای کانون نوینسنسگی از طریق ارزیابی صلاحیت ها،

لزوم توجه به استانداردهای بین المللی برای حفظ اعتبار مدرک دانشگاه ها

یکی از اهداف راهبردی وزارت علوم، جذب دانشجویان بین المللی است؛ بنابراین، رعایت استانداردهای بین المللی ضروری است تا مدارک تحصیلی ایران در سطح جهانی به رسمیت شناخته شود و دانشگاه های خارجی نیز برای همکاری و پذیرش دانشجویان ایرانی تمایل نشان دهند. دومین اقدام هم حفظ کف استاندارد های آموزشی و تعریف دقیق دستاوردهای یادگیری است که از الزامات این مسیر است.

در مسیر پیشنهاد کاهش سنوات تحصیلی، یکی از الزامات بنیادین، پیش بینی سازوکار های اعتبارسنجی رسمی و تضمین کیفیت آموزشی است. چنانچه دانشجویان بخواهند بخشی از واحدهای درسی خود را از طریق آموزش های بیرون از دانشگاه یا دوره های آنلاین بگذرانند، باید اطمینان حاصل شود که کیفیت این آموزش ها مطابق با استانداردهای جهانی بوده و امکان بروز تخلف و تقلب به حداقل برسد. دومین مورد اینکه انعطاف پذیری در ساختار دوره های تحصیلی، تنها مانی قابل پذیرش است که کیفیت آموزشی حفظ شود. در بررسی الگوهای بین المللی، به ویژه نظام آموزشی بریتانیا، مشاهده Foundation آموزش پیش از ورود به دانشگاه، دوره ایی که برای ورود به دوره لیسانس سه ساله را کسب نمایند. در ایران، چنین دوره هایی وجود ندارد و اگر قرار باشد مدت دوره لیسانس کاهش یابد، پیشنهاد می شود که آموزش پرورش مسئولیت طراحی و اجرای دوره های پیش دانشگاهی مشابه را بر عهده گیرد تا دانش آموزان با آمادگی علمی مناسب وارد دانشگاه شوند.

بر اساس آیین نامه جامع مصوب سال ۱۴۰۲ که در حال حاضر مبنای عمل تمامی دانشگاه های کشور است، کاهش سنوات با چالش هایی مواجه است. از جمله این چالش ها، فقدان دوره های فشرده و کوتاه (برنامه آموزشی - تجربی که با هدف پیوند دادن آموزش دانشگاهی با تجربه علمی در صنعت طراحی شده)، اعتبارسنجی غیر رسمی در برخی حوزه ها مانند زبان های خارجی و محدودیت در ارائه مؤثر ترم تابستانی است. بنابراین، یکی از راهکار های عملی برای کاهش سنوات، طراحی و اجرای دوره های فشرده دانشگاهی است که بتواند بخشی از بار آموزشی را در مدت زمان کوتا تری منتقل کند، همچنین معادل سازی یادگیری های غیر رسمی مانند

برنامه های CAP و آزمون های جایگزین برای دروس پایه.

در خصوص دروس عمومی پیشنهاد می شود این دروس حذف نشوند، بلکه به صورت آنلاین ارائه گردند. در حال حاضر حدود ۲۰ واحد دروس عمومی در برنامه های کارشناسی وجود دارد. با ارائه این دروس در قالب آموزش مجازی، دانشجو می تواند در زمان مناسب در آن ها شرکت کرده، نمره کسب کند و بدون حضور فیزیکی، بخشی از مسیر تحصیلی خود را طی نماید. در مجموع، کاهش سنوات تحصیلی نیازمند اصلاح آیین نامه ها، طراحی سازوکار های اعتبارسنجی رسمی، تضمین کیفیت آموزش های جایگزین و ایجاد زیرساخت های لازم برای آموزش های فشرده و آنلاین است. تنها در صورت تحقق این پیش شرط ها، می توان به صورت منطقی و مؤثر، مسیر کاهش مدت تحصیل را هموار ساخت.

آثار وضعی طولانی شدن کارشناسی بر مدیریت دانشگاه ها و جامعه دانشجویی

در حوزه های رفاهی، تغذیه، مسکن و خوابگاه، بسیار بالاست. اگرچه دانشجویان ایرانی شهریه رسمی پرداخت نمی کنند، اما با شهریه های پنهانی مواجه اند که در قالب هزینه های جانبی تحمیل می شود. در مجموع، بحث کاهش سنوات تحصیلی نیازمند بررسی های دقیق، مشارکت کارشناسان، اصلاح آیین نامه ها و توجه به زیرساخت های اجرایی و اجتماعی است. تنها در چنین بستری می توان تصمیمی سنجیده و مؤثر اتخاذ کرد که هم منافع نظام آموزش عالی را تأمین کند و هم پاسخگوی نیازهای دانشجویان و جامعه باشد. یکی از نکات بسیار مهم و کلیدی که از منظر طرفداران ایده کاهش سنوات تحصیلی مطرح می شود، ضرورت بهره برداری بهینه از زمان سال تحصیلی است. در حال حاضر، دانشجویان عملاً حدود چهار ماه از سال را خارج از فضای دانشگاهی سپری می کنند؛ دوره ای که به نوعی انقطاع کامل از محیط آموزش عالی محسوب می شود. این انقطاع، برخلاف الگوی آکسیرپ (شیوه آموزش خاص دانشگاه های توسعه یافته و کمپریج در بریتانیا) که بر شکل گیری تعالی فرهنگی و علمی دانشجو در بستر دانشگاه تأکید دارد، فاقد اثرگذاری آموزشی و تربیتی است. در پایان لازم می داتم تأکید کنم که مشخصاً، با وجود گرایش به برخی دیدگاه ها، همواره برای نظرات مخالف احترام و یوازی قابل ستم، مخالفت ها، زمینه ساز یادگیری و تعمیق نگاه کارشناسی هستند و در فرایند تصمیم سازی، نقش مهمی ایفا می کنند. در نهایت، مؤسسه پیشنهاد خواهد داد که مجموعه ای از سناریوهای کلی، همراه با رهنمودهای اجرایی، تدوین شود. انتخاب هر یک از این سناریوها، مستلزم بررسی های دقیق و اصلاحات لازم در سطوح بالادستی خواهد بود. به برنامه اجرایی نیز بر اساس سناریوی منتخب طراحی خواهد شد. اکنون در مرحله ای قرار داریم که سناریوهای مختلف جهانی را بررسی و تجربه می کنیم تا با بهره گیری از تجارب ارزشمند همکاران و متخصصان، به راه حلی متناسب با شرایط آموزش عالی کشور دست یابیم.

اره آنلاین دروس عمومی در ترم تابستان برای کاهش هزینه های حضوری و جبران زمان های پرت در تقویم آموزشی، تغییر معیار فارغ التحصیلی (یعنی به جای تمرکز صرف بر تعداد واحدهای گذرانده شده، می توان به صلاحیت های کلیدی و مهارت های پایه مانند Competency-Based Learning) اهمیت بیشتری داد، طراحی ماژولار دوره ها و ارائه برنامه های درسی در قالب بسته های کوتاه تر، همراه با امکان اخذ حداکثر واحد در هر ترم، استفاده کرد.

باین حال، تأکید می شود که کاهش سنوات نباید به صورت یکسان و فراگیر اعمال شود. اگر به استقلال دانشگاه ها و آیین نامه تقویض اختیار بپردازیم، باید اجازه دهیم هر دانشگاه بر اساس ظرفیت ها و شرایط خود، در این زمینه تصمیم گیری کند. اما نکته نگران کننده آن است که نظام آموزش عالی، همه دانشجویان را در یک سطح می بیند و هیچ تمایزی میان آنان قائل نمی شود. همان گونه که خداوند در خلقت خود همه انسان ها را یکسان نیافریده، ما نیز نباید آیین نامه هایی یکسان برای همه دانشجویان داشته باشیم. در نهایت، تأکید می کنم که با کاهش سنوات تحصیلی موافقم، اما به صورت مشروط. این موافقت منوط به فراهم سازی زیرساخت های لازم، اصلاح قوانین، احترام به استقلال دانشگاه ها و پذیرش تفاوت های فردی و رشته ای دانشجویان است. در برخی رشته ها، دانشگاه ها ویرای برخی دانشجویان، می توان کاهش سنوات را با رویکردی علمی و متعطف اجرا کرد.